



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آیت اللہ بروجردی و بہائیان

محمد حسن رجیبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیت الله بروجردی و بهائیان

نویسنده:

محمد حسین رجبی (دوانی)

ناشر چاپی:

نشریه تاریخ معاصر ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آیت الله بروجردی و بهائیان
۶	مشخصات کتاب
۶	آیت الله بروجردی و بهائیان (نگران از نفوذ)
۹	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آیت الله بروجردی و بهائیان

مشخصات کتاب

نویسنده: رجیبی (دوانی)، محمد حسن

نشریه: تاریخ «تاریخ معاصر ایران» تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۵۰

آیت الله بروجردی و بهائیان (نگران از نفوذ)

پس از سقوط دیکتاتور پهلوی در شهریور ۲۰، انتظار می‌رفت که مبارزه‌ای پیگیر از سوی روحانیت با عوامل و ارکان نظام دیکتاتوری آغاز شود، اما این مبارزه به دلایل گوناگون چون: وعده‌های سران رژیم (بویژه شاه جوان) به جبران گذشته، بازشدن نسبی فضا برای برگزاری مراسم دینی و از سوی دیگر تبلیغات سازمان‌یافته ضد اسلامی و انحرافی در جامعه از سوی حزب توده، کسروی و نیز بهائیان که با سوء استفاده از وضعیت آشفته کشور، به تضعیف باورهای مذهبی جامعه می‌کوشیدند، مدتی طول کشید تا قوام لازم را بیابد و نخست در جنبش ملی کردن صنعت نفت و سپس در خیزش خرداد ۴۲ به نقطه عطف خود نزدیک شود. لذا، در بدو امر، بخش عمده‌ای از توجه و تلاش علما، صرف بازستاندن اماکن اشغال شده دینی، احیاء شعائر مذهبی، رفع منع حجاب، و مبارزه با تبلیغات ضد اسلامی گروههای مزبور، بویژه بهائیان - که مورد سخن ماست - گردید؛ حرکتی که البته، یکسره از صبغه «سیاسی» خالی نبود و خصوصاً در بحبوحه مبارزه با منع حجاب، مرجعیت شیعه (آیات عظام قمی و بروجردی) تا مرز تهدید دستگاه به قیام پیش رفتند. نفوذ بهائیان در سطوح اداری کشور که از عصر مشروطه آغاز شده بود، در زمان سلطنت رضاخان ادامه یافت و روز به روز آنها بیشتر بر مناصب کلیدی کشور دست یافتند. این امر، که با تبلیغات بهائیگری و اسلام ستیزی همراه بود، موجب رنجش و نگرانی علما و مردم متدین گردید. زمانی که آیت الله بروجردی از نجف به بروجرد بازگشته و در آنجا مورد احترام عموم مردم و اهالی غرب کشور بودند و به تدریس و امامت جماعت و حل و فصل امور شرعی مردم اشتغال داشتند، بهائیان، بروجرد را جولانگاه تبلیغات خود قرار داده بودند. به نوشته مرحوم علامه دوانی: «در سالهایی که فرقه ضاله بهائی، فعالیت خود را در بروجرد به خصوص در ادارات دولتی تشدید کرده بودند، معظم‌له مجدانه به مقابله پرداختند. سعی ایشان در ابتدای امر بر این بود تا از راههای قانونی جلو فعالیت‌های آنها را که روز به روز بیشتر می‌شد و حتی تا بدانجا رسیده بود که یکی از مدارس دینی شهر را تخریب و به جای آن دبیرستانی بنا نهادند، سد کنند؛ ولی زمانی که بی‌توجهی و مسامحه مرکز را در این مورد مشاهده نمودند، خود مستقلاً دست به کار شده و به عنوان اعتراض به این امر، از شهر خارج شدند. خبر عزیمت ایشان در اندک مدتی مردم شهر و نواحی را به تظاهرات و اجتماع در تلگرافخانه واداشت. دولت پس از مشاهده این اوضاع، احساس خطر نموده و سعی در مراجعت ایشان به شهر می‌نماید. بزودی محافل و مجالس اشکار بهائی‌ها تعطیل و افراد منحرف از ادارات شهر منتقل می‌گردند و ایشان با اعزاز تمام به شهر مراجعت می‌نمایند». [۱]. آقای واعظزاده در مصاحبه با مجله حوزه می‌گوید: «اصلاً مبارزه با بهائیت توسط آیت الله بروجردی شروع شد. ایشان خطر بهائیت را خیلی جدی می‌گرفت... آقای منتظری با یکی از مبلغان بهائیت، مکاتبه داشت و شبهات را پاسخ می‌داد، می‌گفت آیت الله بروجردی نوشته‌هایی که بین من و آن مبلغ بهائی رد و بدل می‌شود؛ می‌بیند». [۲]. ایشان، در ماه رمضان آن سال، یک ماه تمام منبر رفته و پیرامون مهدویت امام زمان عجل از قول علمای اهل سنت و شیعه و رد نظرات بهائیان، به نحوی مستدل سخن گفتند. [۳] پس از ورود به قم نیز، با اشاره به روشی که در ارائه مباحث بر ضد بهائیان در بروجرد داشتند «به جناب آیت الله صافی توصیه کردند که کتابی با همین سبک [مستدل و با استناد از روایات عامه و خاصه] درباره حضرت به رشته تحریر در آور و مقدمات نگارش کتاب ارزشمند منتخب‌الاثار از همین جا فراهم آمد». [۴]. به گفته آیت الله سبحانی: سال ۱۳۳۱

مرحوم بروجردی جمعی از فضالای آن روز حوزه (نظیر حضرات آقایان حسینعلی منتظری، ابراهیم امینی و احمدی شاهرودی) را برای خنثی کردن تبلیغات بهائیان به فریدن اصفهان اعزام کرد. [۵]. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب احزاب و جمعیت‌های سیاسی، و سیطره جو خفقان و سانسور بر کشور، نفوذ بهائیان در دستگاه‌های دولتی گسترش یافت تا آنجا که عبدالکریم ایادی (از خانواده قدیمی و متنفذ بهائی) پزشک مخصوص و محرم اسرار شاه شد. ارتشبد حسین فردوست، ضمن ارائه اطلاعات ارزشمندی راجع به میزان نفوذ و قدرت او و بهائی‌ها در دربار، دولت و ارتش پهلوی، او را «سلطان واقعی» و بدون تاج و تخت و «راسپوتین ایران» می‌نامد که بیش از هشتاد شغل پولساز داشت. [۶]. تیر ۱۳۳۴ طی نامه‌ای به نخست وزیر، با اشاره به پیگیری ناقص او در اجرای نظریات ایشان راجع به بهائیان که به نظر شاه رسیده بود، متذکر می‌شود که نامه ایشان به شاه متضمن چاره‌جویی بود و درخواست شده بود که در صورت عدم پاسخگویی قوانین موجود، قوانین لازمه را در مجلس تصویب کنند تا عملیات سابقه این فرقه دوباره تکرار نشود. [۷] با توجه بدانچه گفته شد مرحوم فلسفی تصمیم گرفت در رمضان ۱۳۳۴، در سخنرانی‌های خود که مستقیماً از رادیو پخش می‌شد به افشای خطر سیاسی بهائیان در کشور پردازد. وی در این زمینه با آیت‌الله بروجردی مشورت کرد و پس از موافقت و دستور آیت‌الله، جریان را به اطلاع شاه نیز رساند و چنان که گذشت، با موافقت شاه روبه‌رو گردید. [۸] وی سپس از وعاظ تهران خواست که در منابر حساس ماه رمضان، یکصدا بر خطر رسوخ بهائیان در اداره امور کشور تاکید و به مردم هشدار دهند. [۹] خود نیز از آغاز رمضان، در سخنرانی‌های مهیج و پرشور خود، بشدت به بهائیان حمله کرد و با وجود تهدیدات علم (وزیر کشور) و شاه، [۱۰] همچنان به سخنان خود ادامه داد. نفوذ و قدرت روزافزون بهائیان در پست‌های حساس سیاسی، اقتصادی و اداری کشور، و تشنج آفرینی‌ها و جنایات هولناک صهیونیست‌مابانه آنان نسبت به مسلمانان در جای جای کشور، و بی‌تفاوتی و بعضاً همدستی ماموران دولتی با ایشان در طول آن سالها، چنان نفرت و انزجار عمیق و وسیعی بین مردم مسلمان نسبت به بهائیان ایجاد کرده بود که پس از پخش سخنان مهیج و افشاگرانه فلسفی از رادیو، مردم یکباره خروشیدند و تظاهرات پرشکوهی علیه بهائیان به راه انداختند و مجدانه در صدد برآمدند که برای همیشه ریشه و آثار آنها را از کشور برکنند. رژیم شاه که انتظار چنان واکنش گسترده‌ای را از سوی مردم نداشت، ناچار با آنان همصدا شد و پیش از آنکه کنترل امور را از دست دهد، وارد عمل گردید و مراکز بهائیان را قبل از تصرف از سوی مردم، اشغال کرد. (این نکته حائز اهمیت است که در اعلامیه‌ها و سخنان مقامات دولتی، به جای تاکید بر «تصرف» حظیره‌القدس و سایر مراکز بهائیان، همواره واژه «اشغال» به کار می‌رفت که اعتراف تلویحی به مالکیت فرقه بر آن مراکز را دربر داشت). به عبارت دیگر، ماموران نظامی و انتظامی با اشغال حظیره‌القدس و سایر مراکز بهائیان در کشور، از آنها در مقابل خشم ویرانگر مردم مسلمان حراست کردند. به قول مرحوم فلسفی: «هیجان عمومی و نگرانی از حرکت مردم، شاه را بر آن داشت که دستور بسته شدن حظیره‌القدس را صادر کند و به دنبال آن، نیروهای فرماندار نظامی آنجا را اشغال کردند. او در ابتدا این کار را اقدامی مذهبی جلوه داد و خود را مصمم به برخورد با بهائی‌ها وانمود کرد و به همین دلیل نیز جامعه روحانیت از وی تشکر نمود و آن اقدام را مورد حمایت قرار داد». [۱۱] آیت‌الله میرسید محمد بهبهانی در تلگرامی به شاه (۱۸ اردیبهشت ۳۴) از اقدامش در بستن حظیره‌القدس تشکر کرد و در تلگرام دیگر به آیت‌الله بروجردی آن روز را برای مردم عید شمرد. آقای بروجردی نیز در پاسخ، تلگرامی به این شرح مخابره کرد: «تلگراف مبارک، حاکی از اقدام شخص اعلیحضرت همایونی در بستن و ضبط محوطه‌ای که فقط برای تبلیغات ضد دیانت مقدسه اسلام - که طبعاً موجب عدم وحدت ملیت است و بلکه ضد استقلال مملکت و ضعیف نمودن مقام سلطنت بنا شده - موجب مسرت گردید. البته عموم مسلمانان جهان و علمای اعلام، بلکه حضرت ولی عصر ارواحاله‌الفداه از این اقدام مسرور هستند. می‌توان گفت به نظر عقلای مملکت، از وظایف حتمیه سلطنت به شمار می‌رود. مرجو آن که خداوند عز‌شانه، دیانت مقدسه اسلام و سلطنت ایران را از گزند دشمنان و اخلاص‌گران حفظ فرموده و وجود مبارک را برای مسلمین مستدام بدارد». [۱۲]. متعاقب آن در ۲۰ اردیبهشت، ۵ تن از علمای تهران برای ابراز تشکر از اقدام شاه در بستن حظیره، در

کاخ مرمر با شاه ملاقات کردند. [۱۳] آیت‌الله بروجردی نیز در نامه‌ای به آقای فلسفی، ضمن تقدیر و تشکر از سخنرانی‌های ایشان، به ادامه مبارزه و مقابله جدی با بهائیان تاکید کرد: «...خدمات پریمیتمی را که این چندروزه نسبت به دیانت مقدسه اسلام، بلکه مطلق دیانات و نسبت به قرآن کریم بلکه مطلق کتب سماوات و نسبت به استقلال مملکت و حفظ مقام سلطنت و دولت و ارتش و تمام افراد ملت ایران و مسلمانان جهان انجام داده‌اید و مقداری از پرده ضخیمی را که یک حزب سیاسی به اسم مذهب بهائیان روی منویات خود گسترده و متجاوز از سالها در حدود صد سال [است] که با تشکیلات منظم و صرف پولهای گزاف مجهول‌المخزن و تبلیغات دامنه‌دار خود، علنا بر ضد مذهب رسمی مملکت که بالطبع موجب وحدت ملیت است و سرا بر علیه سلطنت و حکومت کوشش می‌کنند، بالا زده و مقداری از آنها را مکشوف نموده‌اید، موجب مسرت حقیر و عموم مسلمانان، بلکه مسرت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می‌باشد». در ادامه، آسیب حزب بهائیت به استقلال کشور را بسیار شمرده و هشدار داد که اعضای این حزب در بسیاری از شئون کشور نفوذ کرده‌اند و لازم است ادارات و مراکز حساس و وزارتخانه‌ها از این عناصر تصفیه شوند. [۱۴]. علاوه بر منبرهایی که هر روزه ماه رمضان از رادیو پخش می‌شد، مرحوم فلسفی در تاریخ ۱۶، ۱۹ و ۲۰ اردیبهشت همان سال، طی مصاحبه‌هایی با روزنامه کیهان، نظریات و برنامه‌ها و انتظارات آیت‌الله بروجردی و دیگر علما و مردم را تشریح کرد. ایشان بابت و بهائیت را ساخته و پرداخته استعمار و در خدمت آن دانست و راجع به تشنج آفرینی‌های چند سال اخیر بهائیان در کشور، افزود که بر اساس لوحی که از این فرقه به دست آمده، به آنان بشارت داده شده که در سال ۱۳۳۵ شمسی، در ایران به قدرت خواهند رسید، لذا این تشنجات از نظر آنان، مقدمه و زمینه قدرت‌نمایی آنهاست. وی درباره پیگیری مساله خاطر نشان ساخت: «حضرت آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله بهبهانی و محافل روحانی، نسبت به طرد فرقه بهائیان از جامعه ایرانی توجه کامل دارند و پیوسته با دربار، دولت و مجلسین برای از بین بردن آثار آنها در تماسند. این فعالیت که مورد توجه افکار عمومی است تا جایی که در مسلمانان آرامش خاطر به وجود آید دنبال خواهد شد». راجع به ساختمان حظیره نیز یاد آور شد: «پس از مشاورات زیاد، مقامات روحانی و دولتی به این نتیجه رسیده‌اند که باید عمارت حظیره‌القدس را ویران کرد، چون اگر باقی بماند هر مؤسسه‌ای هم در آن کار کند، باز بهائیان را به عنوان یک «مکان مقدس» از آن، استفاده تبلیغاتی خواهند کرد... بنابراین محو آثار و بقایای آنها نیز حتمی و واجب است». همچنین، ضمن بیان مخالفت روحانیت با هر گونه بی‌نظمی و تاکید بر انجام اقدامات قانونی، افزود: «در مذاکراتی که امروزه با آقای علم، وزیر کشور، به عمل آمد ایشان اظهار داشتند که امر مبارزه با فرقه بهائیان مورد توجه کامل دولت است و دیشب نیز در هیات دولت مورد مشاوره قرار گرفت و قرار است بسیاری از نمایندگان مجلس، آمادگی خود را در تصویب طرح و کلای مجلس شورای ملی، تصمیم لازم اتخاذ کنند. بسیاری از نمایندگان مجلس، آمادگی خود را در تصویب طرح غیرقانونی شناختن فرقه بهائیان اعلام داشته‌اند. چون موکلین شهرستان‌ها با تلگراف‌ها و نامه‌ها و تقاضاهای خود، از وکلای می‌خواهند که هرچه زودتر در این باره تصمیمی اتخاذ و برای ریشه‌کن کردن بقایای این فرقه اقدام کنند و من اطمینان دارم که وکلای مجلس، مسلمان و علاقه‌مند به دین مبین اسلام بوده و در اجرای تقاضاهای موکلین خود کوشا می‌باشند. وکلای اقلیتهای کلیمی، ارمنی و زرتشتی نیز با عصبانیت تمام، نسبت به فرقه بهائیان ابراز تنفر می‌کنند و حتی در این باره پیشقدم شده و با عده‌ای از نمایندگان مسلمان، برای تصویب طرح غیرقانونی شناختن فرقه بهائیان، فعالیت می‌کنند». [۱۵]. اما برغم انتظار علما در پیگیری مساله و انجام اقدامات عملی در آن باره، دولت پس از ماه رمضان هیچ اقدامی نکرد و طرح تعدادی از نمایندگان مجلس شورای ملی مبنی بر غیرقانونی بودن فرقه بهائیان و اخراج آنها از ادارات دولتی نیز به بهانه «مطالعه و بررسی کامل»، ناکام ماند. [۱۶] مدتی بعد حتی حظیره‌القدس و دیگر مراکز دیگر بهائیان که به اشغال فرمانداری نظامی درآمده بود، به آنها بازگردانده شد. [۱۷] در آن شرایط، امام خمینی نیز از کسانی بود که بر تداوم مبارزه با بهائیت و پاکسازی دستگاههای دولتی از نفوذ آنها پای می‌فشرد و در ملاقات با آیت‌الله بروجردی بر لزوم پیگیری امر تاکید می‌کرد. [۱۸]. هر چند که آیت‌الله بروجردی از سالها پیش به این نتیجه رسیده بود که رژیم پهلوی به دلیل نفوذ بهائیان

در دستگاه‌های دولتی و وابستگی رژیم به قدرتهای خارجی، جرات اقدام لازم علیه بهائیان را ندارد و لذا از آن مأیوس شده بود، اما تا پایان عمر مبارزه با بهائیان، از دغدغه‌های اصلی وی بود. از این رو به امر ایشان؛ مرحوم علامه دوانی در ۱۳۳۸ش مامور ترجمه جلد ۱۳ بحارالانوار گردید. علامه دوانی جریان دیدار خود با آیت‌الله بروجردی و اصرار و تاکید ایشان در ترجمه آن کتاب را به اجمال شرح داده‌اند که بیانگر توجه فراوان آن مرحوم به مبارزه با تبلیغات بهائیان است. سرانجام کتاب در اواخر شعبان ۱۳۸۰ (بهمن ۳۹) منتشر شد و مرحوم دوانی قبل از آغاز ماه رمضان، یک نسخه از آن را توسط آقا محمدحسن (فرزند آیت‌الله بروجردی) به ایشان داد. آقا محمدحسن (فرزند آیت‌الله) نقل می‌کرد: «وقتی کتاب مهدی موعود را به ایشان دادم به قدری خوشحال شد که حد نداشت. پیوسته آن را می‌خواندند و بعد از مطالعه هم در طاقچه پشت سرشان می‌گذاشتند. اغلب شبهای ماه رمضان را به مطالعه آن مشغول بودند و به شما دعا می‌کردند و می‌گفتند: بسیار خوب ترجمه و چاپ شده است». [۱۹]. مخلص کلام آن که در بین مراجع شیعه، آیت‌الله بروجردی بیش از دیگران نسبت به امر بهائیت حساسیت نشان می‌داد و مبارزه با آن را به صورت فردی یا جمعی و در ابعاد سیاسی و فرهنگی تا پایان حیات پربرکتش ادامه داد.

پاورقی

- [۱] علی دوانی. مفاخر اسلام. جلد دوازدهم: آیت‌الله عظمی بروجردی...، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، با تجدیدنظر و اضافات، ۱۳۷۹، صص ۱۱۰-۱۰۹ و ۱۱۲.
- [۲] مجله حوزه، ش ۴۴-۴۳، صص ۲۳۵-۲۳۱.
- [۳] علی دوانی. مفاخر اسلام. جلد دوازدهم: آیت‌الله عظمی بروجردی...، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، با تجدیدنظر و اضافات، ۱۳۷۹، صص ۱۱۰-۱۰۹ و ۱۱۲.
- [۴] «نقدها را بود ایا که عیاری گیرند؟»، علی حقیقت‌جو، چشم‌انداز ایران، خرداد و تیر ۱۳۷۹، ش ۵، ص ۴۷، به نقل از آیت‌الله سبحانی.
- [۵] «نقدها را بود ایا که عیاری گیرند؟»، همان، ص ۴۷.
- [۶] ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. ج ۱: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست. انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹، صص ۳۷۴ و ۳۷۵.
- [۷] خاطرات و مبارزات...، صص ۱۹۰-۱۸۹.
- [۸] محمدحسین منظورالاجداد، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹، صص ۴۹۹-۴۹۸.
- [۹] همان، ص ۱۹۱.۱۹.
- [۱۰] همان، صص ۱۹۶-۱۹۲؛ گفتگوهای من با شاه (خاطرات محرمانه اسدالله علم)، زیر نظر عبدالرضا هوشنگ‌نهادوندی. تهران، طرح نو، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۱، صص ۶۷-۶۶.
- [۱۱] خاطرات و مبارزات...، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.
- [۱۲] همان.
- [۱۳] همان.
- [۱۴] همان، ص ۱۹۵.
- [۱۵] همان، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

[۱۶] که لایحه غیرقانونی بودن بهائیت را به مجلس بردند تا وکلا آن را تصویب کنند و رسماً غیرقانونی باشند و اشخاص منتسب به آنها را از ادارات دولتی طرد و جلو فعالیتهای خائنانه آنها را بگیرند، سردار فاخر حکمت، رئیس وقت مجلس شورای ملی، جلو آن

را گرفت و گفت: مساله بهائی‌ها و جلوگیری از فعالیت آنها یک مساله مذهبی است و جای آن مجلس نیست.» ایشان در ادامه می‌نویسد: «سر و صدای زیادی به راه افتاد و بگومگوها شد که چرا آن فرد خائن، جلو این کار را گرفت. در نتیجه لایحه مسکوت ماند و کم‌کم از حدت موضوع کاسته شد. آیت‌الله فقیه از وقفه کار، فوق‌العاده ناراحت بودند. من همان موقع مقاله‌ای در هفته‌نامه ندای حق نوشتم و سخت به سردار فاخر تاختم. وقتی به منزل آقای فلسفی رفتم، گفت: مقاله‌تان را خواندم، بسیار عالی بود.» نقد عمر؛ زندگانی و خاطرات، تهران، نشر رهنمون، ۱۳۸۲، ص ۲۱۶.

[۱۷] علامه دوانی، دلیل عمده ناکامی آن اقدام را اقدامات لابی بهائیان و فشار سیاسی روسای جمهور وقت امریکا و انگلستان و درخواست نخست‌وزیر وقت هند از دولت ایران می‌داند. همان، ص ۲۱۵.

[۱۸] «بیان وصف تو گفتن نه حد امکان است. گفتگو با استاد جعفر سبحانی». کیهان فرهنگی، سال ششم، خرداد ۱۳۶۸، شماره ۳، ص ۲.

[۱۹] علی دوانی. زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت‌الله بروجردی. تهران: چاپ دوم، با تجدیدنظر و اضافات ۱۳۷۱، ص ۳۵۸-۳۵۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت‌الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت‌الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

